

Imam Ali (PBUH)'s Artistic Creations in Nahj al-Balagha of Sedition and Seditiousness

Aziz Alizadeh Salteh^{*}

Parivash Alizadeh^{**}

Abstract

Illustration is one of the most important methods of getting a subject matter tangibly and sensibly explained and depicted in the audience's mind. Imam Ali (PBUH) in his Nahj al-Balagha has frequently employed the method in order to explain issues. One such issue a precise understanding of which has a significant impact on the destiny of individuals and society is that of knowing sedition and seditiousness. Utilizing precise metaphors, metonymies, similes, synecdoches, etc., Imam Ali (PBUH) has introduced seditionists, including stage-mangers of the Battle of Nahrawan and the Umayyads, and explained the stages of the formation, growth, and spread of sedition, and the way to face it. Thus, given the importance of the issue of sedition and impact of knowing it on one's life, this study tries to explicate Imam Ali (PBUH)'s view on the issue with the narrative-descriptive method, and to show that, by using a variety of illustrations and literary creations, he has set the most beautiful example of introducing the face of sedition in different times.

Keywords: Nahj al-Balagha, Imam Ali (PBUH), artistic creations, illustrations, sedition and seditionists.

^{*} Assistant Professor, Islamic Philosophy and Theosophy, Khoy Unit, Islamic Azad University, Khoy, Iran
(Corresponding Author), alizadehsalteh@iau.ac.ir

^{**} phd candidate of Sciences and Knowledge of Nahj al-Balagha, Southern Tehran Unit, Payam-e Nur University, Tehran, Iran, palizadehptf@gmail.com

Date received: 25/12/2024, Date of acceptance: 25/05/2025



آفرینش‌های هنری امام علی(ع) در نهج‌البلاغه از فتنه و فتنه‌گران

عزیز علی زاده سالطه*

پریوش علیزاده**

چکیده

یکی از مهمترین شیوه‌های تبیین و ترسیم یک مطلب در ذهن مخاطب به نحو ملموس و محسوس، شیوه تصویرسازی است. امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، در موارد متعدد، از این روش برای تبیین مسائل استفاده کرده است. یکی از این مسائل که فهم دقیق آن در سرنوشت فرد و جامعه تأثیر بسزایی دارد شناخت فتنه و فتنه‌گری است؛ ایشان با بکارگیری استعاره‌های دقیق، کنایه‌ها، تشبیهات، مجاز و غیره به معرفی آن؛ از قبیل گردانندگان جنگ نهروان، بنی‌امیه و نیز تبیین مراحل تکوین فتنه، رشد و فراگیری آن و یا نحوه مواجهه با مسئله فتنه پرداخته است. از این‌رو با توجه به اهمیت مسأله فتنه و تأثیر شناخت آن در زندگی، سعی شده است با روش توصیفی-نقلی، نگاه امام علی(ع) در این باره بیان شده، نشان داده شود که آن حضرت با تصویرسازی‌های مختلف و آفرینش‌های ادبی، زیباترین الگو را در معرفی چهره فتنه در زمانهای مختلف به دست داده است.

کلیدواژه‌ها: نهج‌البلاغه، حضرت علی(ع)، آفرینش‌های هنری، تصویرسازی، فتنه و فتنه‌گران.

* استادیار فلسفه و کلام اسلامی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی - ایران (نویسنده مسئول)،
alizadehsalteh@iau.ac.ir

** دانشجوی دکتری رشته علوم و معارف نهج‌البلاغه، واحد تهران جنوب، دانشگاه پیام نور، تهران- ایران،
palizadehptf@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۴



۱. مقدمه

۱.۱ طرح مسئله

در طول تاریخ یکی از مهمترین موانع پیشرفت جوامع بشری و حرکت آنها به سوی تکامل حقیقی وجود افراد، سازمانها، تشکیلات و گروه‌هایی هستند که با پوششی از حق به دنبال تحقق باطل هستند. در این مسیر گاهی عموم مردم نیز از تشخیص این امر به جهت غبارآلود بودن مسأله باز می‌مانند و گاهی با آن همراهی می‌کنند. اینجاست که فتنه تحقق پیدا می‌کند. امام علی(ع) به عنوان یک رهبر دینی و سیاسی معصوم با شناخت کامل از حوادث و نحوه پدید آمدن، رشد و فراگیر شدن آنها و نیز با آگاهی از راه برون‌رفت از این وقایع، رهنمودها و پیش‌بینی‌هایی را برای جامعه مسلمان زمان خود و بعد از آن در طول تاریخ بیان فرموده‌اند که توجه به آنها جوامع مسلمان و مؤمن را از افتادن در دام فتنه‌ها و حوادث تلخ باز می‌دارد. بیان امام(ع) در این باره شامل دو ویژگی مهم است: اول، تحلیل دقیق و پیش‌بینی روشن از وقوع حوادث، دوم، ترسیم ماهرانه چهره فتنه و فتنه‌گران و حوادثی که آنها ایجاد می‌کنند. از این رو آنچه که در این مقاله دنبال می‌شود این است که بدانیم امام(ع) با چه شیوه‌های هنری و ادبی توانسته است مسئله فتنه و فتنه‌گری را برای مخاطبان زمان خود و آینده به تصویر بکشد و این امر تا چه اندازه در فهم آن تأثیر داشته است. اهمیت مطلب در آن است که فهم عمیق آن، ما را در دوری از فتنه و تشخیص فتنه‌گران بسیار یاری می‌دهد و بیان آن با زبان تصویر، فهم آن را دو چندان می‌سازد.

۲.۱ پیشینه تحقیق

درباره فتنه و فتنه‌گری کتابها، مقالات و رسالات متعددی نگاشته شده است که در زیر به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

- کتاب «آفرینش‌های هنری در نهج‌البلاغه، مبانی و کارکردها»، نوشته سید حسین حسینی، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، سال ۱۳۹۸.
- کتاب «آفرینش هنری در نهج‌البلاغه»، نوشته علی‌اکبر سرگلزایی، نشر سایه سخن، سال ۱۳۹۷. - پایان نامه «فتنه شناسی در قرآن و نهج‌البلاغه با تأکید بر راهکارهای حفظ سلامت فرد و جامعه»، نوشته لیلا غلامی، استاد راهنما: سید محمد میردامادی، سال ۱۳۹۱ ش.

آفرینش‌های هنری امام علی(ع) در ... (عزیز علی زاده سالطه و پریش علیزاده) ۷۷

- پایان نامه «هنر تصویر آفرینی در نامه‌های نهج‌البلاغه»، دانشگاه کوثر، نوشته فرزانه قدیمی، استاد راهنما: علیرضا حسینی سال ۱۳۹۷ ش.
- مقاله «فتنه و راههای مقابله با آن از منظر نهج‌البلاغه»، نوشته صدیقه نیک طبع، مجله پژوهشهای اسلامی، سال پنجم، شماره ۸، سال ۱۳۹۱ ش.
- مقاله «فتنه در نهج‌البلاغه و شیوه‌های مقابله با آن» نوشته بتول علوی، فصلنامه کتاب و سنت، سال ۱۳۹۴ ش، دوره ۲، ش ۵.
- مقاله «تحلیل خطبه ۷۹ نهج‌البلاغه بر اساس مبانی نقد فرمالیسم»، نوشته علیرضا روستایی و دیگران، فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال ۱۳۹۷، دوره ۶، ش ۷.
- مقاله «بررسی عنصر تصویرپردازی در خطبه اشباح نهج‌البلاغه»، نوشته عاطفه رحمانی و احمد پاشازانوس، دو فصلنامه مطالعات متون ادبی اسلامی، سال ۱۳۹۵ ش، دوره ۱، ش ۲. و غیره.

اما به کارگیری آرایه‌های هنری و تبیین این مسئله همراه با تصویر سازی، آن هم از دیدگاه نهج‌البلاغه مطلبی است که تاکنون به آن پرداخته نشده است.

۲. ترسیم فرمایشات امام(ع) درباره فتنه

در این باره فرمایشات آن حضرت را در قالب تابلوهایی چند به تصویر کشیده‌ایم:

تابلو ۱: علل پیدایش فتنه‌ها

«إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعُ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَ أَحْكَامٌ تُبْتَلَعُ، ... وَلَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِغْتُ وَمِنْ هَذَا ضِغْتُ فَيُمَزَّجَانِ، فَهَذَاكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ...» (خطبه ۵۰: ۷۰).

امام(ع) می‌فرمایند مبدأ فتنه و فساد در هوا و خواهش‌های نفسانی و عقاید باطل و احکام خلاف شرع است و هر راهی که خارج از کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) باشد سبب وقوع فتنه و از هم پاشیدن نظام موجود می‌گردد (ر.ک: ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۸۶؛ نواب لاهیجی، بی‌تا، ج ۱: ۶۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ش، ج ۲: ۵۶۲).

آن حضرت برای تقریب آن به ذهن، واژه «ضغت» را به صورت استعاره بکار می‌گیرد (دنبلی‌خویی، بی‌تا، ج ۱: ۱۰۶؛ ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۸۷؛ ابن میثم، ۱۳۶۶ش، ج ۱: ۱۵۸).

«ضعف» در لغت به معنی دسته‌ای گیاه که تر و خشک با هم بیامیزند (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۸۵؛ ابن‌منظور، ۱۳۷۵ش، ج ۲: ۱۶۳)؛ یعنی وقتی اندیشه‌های باطل با اندیشه‌ای از حق آمیخته شود در آن هنگام شیطان بر یاران خویش تسلط می‌یابد؛ نظیر شبهه قتل عثمان که از یک سو گفته می‌شد امام مسلمانان مظلوم کشته شده است و از طرف دیگر این قتل را منسوب به امام علی (ع) می‌دانستند (ابن‌میثم، ۱۳۶۶ش، ج ۱: ۱۵۸).

امام علی (ع) برای ترسیم وقوع فتنه و تقریب آن به ذهن از واژه «ضعف» و «امتزاج» استفاده کرده و نشان داده است که خلط حق و باطل با یکدیگر و عدم تمییز آن دو از هم باعث بروز فتنه می‌شود، و برای روشن شدن این معنا، استعمال مفاهیم فوق را در قالب استعاره تابلوی مجسمی از آمیختگی برای مخاطب به تصویر می‌کشد.

تابلوی ۲: مبارزه با فتنه

الف) بیان امام (ع) درباره فتنه خوارج و اقدام شجاعانه ایشان:

«...فَأَنِّي فَقَاتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ وَلَمْ يَكُنْ لِيَجْتَرِيَ عَلَيْهَا أَحَدٌ غَيْرِي بَعْدَ أَنْ مَاجَ غَيْبُهَا وَاشْتَدَّ كَلْبُهَا...» (خطبه ۹۳: ۱۲۲)

مورخین آورده‌اند که امام (ع) این خطبه را بعد از جنگ نهروان ایراد کرده است (ر.ک: منتظری، ۱۳۸۳ش، ج ۴: ۴۲).

آن حضرت با اشاره و آشوب به مردم بصره و ناکثین و یا ... می‌فرماید: «انا فَقَاتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ» یعنی من چشم فتنه را کور کردم. «فَقَاتُ» در لغت به معنی شکافتن است. آن حضرت در اینجا برای فتنه، واژه «عین» را بکار برده، بویژه چشم را مورد اشاره قرار داده است؛ زیرا چشم در چهره انسان شریف‌ترین عضو است و تمام تلاش‌ها و فعالیت‌های آدمی به بینایی و هدایت آن وابسته است (ر.ک: ابن‌میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۸۱۸؛ راوندی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۴۲۵). گویا آن حضرت برای فتنه چشم در نظر گرفته که مردم از هیبت آن می‌ترسیدند و ایشان بر آن اقدام کرده و چشم آن را در آورده است. و این از باب استعاره است (ابن‌الحدید، بی‌تا، ج ۷: ۴۵). و با لفظ «فَقَاتُ»، استعاره را مرشح کرده است (ابن‌میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۸۱۶). جمله در مجموع کنایه از فرو خوابیدن فتنه با شمشیر آن حضرت است (همان). البته در اینجا احتمال دیگری هم داده می‌شود و آن این که مقصود از عبارت «فَقَاتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ»، در واقع «فَقَاتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ» یعنی «چشم اهل فتنه را کور کردم» که کنایه از نابودی و کشتن آنان است (همان).

آفرینش‌های هنری امام علی(ع) در ... (عزیز علی زاده سالطه و پرپوش علیزاده) ۷۹

- واژه «غیبه» به معنی تاریکی شدید (مدنی، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۳۶۵؛ ابن منظور، همان، ج ۱: ۶۵۳) و «کلب» یعنی بیماری هاری (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ۳۷۵؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۵۳۷).

واژه «غیبهها» استعاره است برای آن فتنه به اعتبار عدم تمیز حق در آن و «تموج غیبهها» یعنی طغیان آن که به دریا تشبیه شده است. امام(ع) با عبارت «تموج غیبهها» به این نکته اشاره می‌کند که پراکنده شدن تاریکی شبهات ناشی از فتنه، چنان ظلمت و ابهامی در اذهان مردم ایجاد کرد که تشخیص حق از باطل برایشان دشوار شد؛ تا جایی که در مواجهه با مخالفت طلحه و خروج عایشه برای جنگ، در حیرت مانده بودند که آیا این اقدامات بر حق است یا نه (ر.ک: دنبلی خویی، بی تا، ج ۱: ۱۴۹؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۷: ۷۳؛ ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۸۱۶). همچنین تعبیر «اشتداد کلب» از سوی امام(ع) کنایه از اوج گرفتن موج شرارت و فساد ناشی از فتنه است که نشان‌دهنده شدت یافتن بدخواهی اهل فتنه و اصرار سرسختانه آنان بر ادامه جنگ و خونریزی می‌باشد (ر.ک: هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۷: ۷۳؛ ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۸۱۶).

در بیان دیگر گفته شده است که «اشتد کلبها» از باب تشبیه گفته شده است؛ یعنی همانطور وقتی که مرض هاری سگ شدت پیدا کرد باید آن را کشت، فتنه‌ای هم که جامعه را ناامن کرده است باید ریشه‌کن شود (ر.ک: منتظری، ۱۳۸۳ش، ج ۴: ۵۲).

از آنجا که جنگ با خوارج به دلیل رویارویی امام(ع) با افرادی مانند طلحه و زبیر و عایشه در دید مردم یک حیرتی را ایجاد کرده بود و آنها را از تشخیص حق و باطل مانع شده بود امام(ع) برای تبیین این سرگردانی از عبارت «تموج غیبهها» را کنایه آورده است. و همچنین برای تصویر فتنه خوارج آن را به شخصی تشبیه کرده است که چشمان ترسناکی دارد و کسی جرأت مواجهه با آن را ندارد و لذا تنها کسی که با آن روبرو شد و آن را فرو نشاناند امام(ع) بود. و برای تصویر خطر فتنه خوارج، آنرا به سگ هاری تشبیه کرد که برای در امان ماندن از آن باید کشت.

ب) بازداشتن ابوموسی از مانع شدن او جهت یاری امام(ع)

أَمَّا بَعْدُ، ... فَإِذَا قَدِمَ [عَلَيْكَ رَسُولِي] رَسُولِي عَلَيْكَ فَأَرْفَعْ ذَيْلَكَ وَاشْدُدْ مِئْزَرَكَ وَ اخْرُجْ مِنْ جُحْرِكَ وَ انْذِبْ مَنْ مَعَكَ... وَ لَا تُتْرَكْ حَتَّى يُخْلَطَ زُبْدُكَ بِخَائِرِكَ وَ ذَائِبُكَ بِجَامِدِكَ، وَ

حَتَّى تُعْجَلَ عَنْ قَعْدَتِكَ وَ تَخْذَرُ مِنْ أَمَامِكَ كَخَذَرِكَ مِنْ خَلْفِكَ، ... وَلَكِنَّهَا الدَّاهِيَةُ الْكُبْرَى
يُرْكَبُ جَمَلُهَا وَ يَذَلُّ صَعْبُهَا وَ يَسْهَلُ جَبَلُهَا... (نامه ۶۳: ۴۲۸)

گفته شده است که هنگامی که امام علی (ع) به سمت بصره حرکت کردند، ابوموسی اشعری مردم را از همراهی با ایشان منع می‌کرد و می‌گفت: این فتنه است و نباید در آن وارد شد. این رفتار سبب شد امام (ع) نامه‌ای به او بنویسند (ر.ک: ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ۳۴۲؛ مکارم شیرازی، ج ۱۱: ۲۵۱).

امام (ع) در فرستادن نامه چند مورد را به عنوان هشدار و تهدید بیان فرمود:

۱. فارغ ذلیک واشدد مئزرک. این جمله به شکل کنایه از موارد زیر گفته شده است: آماده شدن برای اجرای فرمان قطعی و سرعت در کار (ر.ک: ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۳۴۲؛ دنبلی خویی، بی تا، ج ۱: ۳۴۶)، آمادگی برای جهاد (عبده، بی تا، ج ۳: ۱۳۳) و اهتمام به امور (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۲۹۱).

۲. اخرج من جحرک. تعبیر به «جحر» استعاره از شهر کوفه است و منظور امام (ع) از این سخن، خروج ابوموسی اشعری از کوفه بود. ایشان با استعاره «روباه»، به شباهت رفتار او با این حیوان اشاره فرمودند (ر.ک: ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۳۴۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ش، ج ۱۱: ۲۵۵؛ دنبلی خویی، بی تا، ج ۱: ۳۴۶؛ عبده، بی تا، ج ۳: ۱۳۳).

۳. واندب من معک... حتی یخلط زبدک. این دو عبارت، مثل هستند. معنای اصلی آن، آمیختن دوباره چربی با دوغ است؛ این تشبیه نشان دهنده اختلاط و بی‌نظمی در وضعیتی است که قبلاً تفکیک شده بود و کنایه از فشار شدیدی است که بر شخصی وارد کنند و آرامش او را بر هم بزنند (ر.ک: ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۳۴۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ش، ج ۱۱: ۲۶۱-۲۵۵؛ عبده، بی تا، ج ۳: ۱۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۲۹۲).

امام (ع) در ادامه نامه می‌فرمایند: «و باید از روبرو همانگونه بترسی که از پشت سر می‌ترسی». این جمله به کنایه از ترس و وحشت شدیدی سخن می‌گوید که تمام وجود او را فرا خواهد گرفت. جمله «حتى تعجل عن قعدتك» هم کنایه از برکناری زودهنگام اوست (ر.ک: مکارم شیرازی، همان).

- عبارت «یرکب جملها و یذل صعبها و یسهل جبلها» نیز استعاره است برای شدت و سختی؛ زیرا وقتی که شتر را سوار می‌شوی سخت‌ترین مصیبت برای اوست چون با او

آفرینش‌های هنری امام علی(ع) در ... (عزیز علی زاده سالطه و پریوش علیزاده) ۸۱

راه می رود و از خوردن علف جلوگیری می کند (ر.ک: ابن میثم، همان؛ سرخسی نیشابوری، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۲۸۰).

امام(ع) وضع ابوموسی را با کنایه و استعاره در حال و آینده به خوبی به تصویر کشیده، خاطرنشان می شود که اگر آماده اجرای فرمان امام نشود او را به حال خویش رها نکرده، کاری خواهد کرد که در ترس دائم باشد.

تابلوی ۳: رهنمودها در مقابله با فتنه‌ها

«فَلَا تَكُونُوا أَتْصَابَ الْفِتَنِ وَأَعْلَامَ الْبِدْعِ، وَالزُّمُوا مَا عُقِدَ عَلَيْهِ حَبْلُ الْجَمَاعَةِ وَبُيِّتَ عَلَيْهِ أَرْكَانُ الطَّاعَةِ، ... وَلَا تُدْخِلُوا بُطُونَكُمْ لَعَقَ الْحَرَامِ، فَإِنَّكُمْ بَعِينَ مَنْ حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَعْصِيَةَ...» (خطبه ۱۵۱: ۱۹۸).

امام علی(ع) با تبیین وظایف مردم در برابر فتنه‌ها پنج دستور اساسی را بیان می فرماید: ۱- همکاری نکردن با سران فتنه ۲- حفظ وحدت و پابندی به اصول اجتماع ۳- جانب مظلومان را گرفتن ۴- پرهیز از راههای شیطانی ۵- اجتناب از مال حرام (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ش، ج ۶: ۳۸-۳۶).

واژه «نصب» یعنی علم و هر چیزی است که شاخص و برجسته باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۱۳۶؛ ابن منظور، همان، ج ۱: ۷۵۹). در اینجا امام(ع) واژه «انصاب» و «اعلام» را برای بزرگان گمراهی به شکل استعاره بکار برده، مستمعین را از اینکه نشانه و علم فتنه باشند نهی می کند (دنبلی خویی، بی تا، ج ۱: ۱۸۴).

- عبارت «بنیت علیه اركان الطاعة» استعاره و کنایه است و «اركان»، تخیل است و «بناء»، ترشیح؛ یعنی در جمله استعاره مرشحه و کنایه وجود دارد (ر.ک: هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۹: ۱۶۸).

- در عبارت «فانکم بعین من حرم علیکم المعصیه» واژه «عین» مجازاً به جای علم به کار رفته و آن عبارت از باب استعاره است (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۹: ۱۴۶؛ ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۳: ۴۱۸؛ دنبلی خویی، ج ۱: ۱۸۴؛ مؤید، ۱۴۲۴، ج ۳: ۲؛ ابن میثم، ۱۳۶۶ش، ج ۱: ۳۱۸).

واژه «لعه» مانند غرفه به هر چیزی گفته می شود که با انگشت خورده شود (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۵: ۲۳۳؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۵۴۴). امام(ع) آن را برای بهره مندی های دنیوی استعاره آورده است؛ چون بهره مندی در آن در مقایسه با آخرت خیلی ناچیز است

(دنبلی خویی، بی تا، ج ۱: ۱۸۴). گفته شده است که عبارت «لعق الحرام» کنایه است از آنچه که خورده می شود (ابن میثم، ۱۳۶۶ش، ج ۱: ۳۱۸).

امام (ع) در اینجا برای تصویر چهره فتنه و ترسیم آن به طور ملموس نکاتی را در قالب استعاره و مجاز ذکر کرده است؛ اینکه علم و نشانه فتنه نباشند؛ یعنی در مواقع فتنه به پایداری لشکر دشمن کمک نکنند. همچنین برای تصویر حضور خدا و احاطه او بر اعمال انسانها لفظ «عین» را استعاره آورده است.

تابلوی ۴: روش برخورد با فتنه‌ها (ضرورت دوری از فتنه)

«... كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ، لَا ظَهْرَ فَيَرْكَبَ وَلَا ضَرْعَ فَيَخْلُبَ» (حکمت ۱: ۴۴۴).

امام (ع) با تشبیه یاران خود به «ابن اللبون» ویژگی‌های مطلوب مبارزان حق در دوران فتنه را ترسیم می‌فرماید؛ همانطور که بچه شتر دو ساله نه شیر کافی دارد و نه قدرت باربری، یاران امام نیز باید چنان باشند که طغیانگران نتوانند از آنان بهره‌ای ببرند. عبارت «لاظهر» وجه شبه است (ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۴۰۴؛ دنبلی خویی، بی تا، ج ۱: ۳۵۲)؛ به عبارتی امام (ع) در اینجا از قوت و قدرت با عنوان «ظهر» تعبیر کرده است و از مال هم به عنوان «لبن» (بی‌هقی نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ج ۲: ۵۹۹).

آن حضرت در این فرمایش حکمت‌آمیز نحوه رفتار یک مؤمن مسلمان را در برخورد با فتنه، زمانی که دو تا باطل با یکدیگر مبارزه می‌کنند با یک تشبیه ملموس بر بچه شتر که از او نمی‌توان استفاده‌ای کرد ترسیم می‌کند. این تشبیه زیبا نشان می‌دهد که گاهی بهترین مقاومت در برابر ستم، نشان دادن ضعف و ناتوانی ظاهری است.

تابلوی ۵: راه‌های پرهیز از فتنه‌ها

«...سُقُوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُقْنِ النَّجَاةِ ... وَضَعُوا تَيْجَانَ الْمُفَاخَرَةِ؛ أَفْلَحَ مَنْ نَهَضَ بِجَنَاحِ أَوْ اسْتَسْلَمَ فَأَرَاهُ. هَذَا مَاءٌ آجِنٌ وَلَقَمَةٌ يَغْصُ بِهَا أَكْلُهَا، وَمُجْتَنِي الثَّمَرَةَ لِغَيْرِ وَقْتِ إِيْنَاعِهَا كَالزَّارِعِ بِغَيْرِ أَرْضِهِ.» (خطبه ۵: ۳۲).

پس از جریان سقیفه، ابوسفیان نزد عباس، عموی پیامبر (ص)، رفت و از او خواست تا با هم نزد علی (ع) بروند و از ایشان بخواهند که از امر خلافت غافل نباشد. امام (ع) که نیت

آفرینش‌های هنری امام علی(ع) در ... (عزیز علی زاده سالطه و پریش علیزاده) ۸۳

ابوسفیان را می‌دانست فرمایشات زیر را بیان فرمود (ر.ک: ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۵۴۹؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۳: ۱۳۷).

- **شقوا امواج الفتن بسفن النجاه:** امام(ع) فتنه را به دریایی خروشان و پرتلاطم تشبیه می‌نمایند و از واژه «امواج» به عنوان استعاره برای توصیف برآمدن و گسترش فتنه‌ها بهره می‌برند. همچنین لفظ «سفن النجاه» را برای مسالمت و نجات بخشی استعاره آورده است و از جمله بهترین استعاره‌ها است؛ چون فتنه‌ها گاهی روی هم می‌آیند و زیاد می‌شوند و بهتر است آن را به امواج دریا تشبیه کرد. و از آنجا که کشتی انسان را از امواج دریا نجات می‌دهد بهتر است از لفظ «سفن» استعاره آورده شود که انسان را نجات می‌دهد (ر.ک: ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۵۵۰؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۳: ۱۳۹؛ ابن میثم، ۱۳۶۶ش، ج ۱: ۱۰۰؛ ابن ابی‌الحدید؛ بی‌تا، ج ۱: ۲۱۵؛ دخیل، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۷).

- **وضعو تيجان المفاخره:** امام(ع) در این فرمان راه دیگری برای نجات از فتنه را بیان می‌فرمایند و آن «دور انداختن تکبر و فخرفروشی» است؛ چون خودستایی و مباهات، از جمله عوامل اصلی برانگیختن کینه‌ها و دشمنی‌هاست که به نوبه خود آتش فتنه را شعله‌ور می‌سازد. تشبیه به «تاج» در این بیان از آن جهت است که تاج نماد نهایی مباهات دنیاپرستان می‌باشد، همانگونه که فخرفروشی نیز اوج تکبر و خودبینی است. امام(ع) لفظ «تيجان» را برای آن اسباب استعاره آورده و به کنار گذاشتن آنها دستور داده است (ر.ک: ابن میثم، همان؛ ابن ابی‌الحدید؛ همان).

- **افلح من نهض بجناح او استسلم فاراح**

امام(ع) توضیح می‌دهد که برای حکومت باید یار و یاور داشت و لذا «جناح» (بال) را برای اعوان و انصار استعاره می‌آورد. همینطور واژه «نهوض» را به «جناح» استعاره آورده است؛ زیرا کسی که دارای کمک باشد مانند پرنده‌ای است که از زمین با بالهایش بر می‌خیزد و کسی هم که یآوری نداشته باشد کناره‌گیری نوعی رستگاری است (ر.ک: ابن ابی‌الحدید، همان؛ ابن میثم، همان؛ دخیل، همان).

- **هذا ماء آجن و لقمه يغص بها أكلها:** یعنی اینگونه زمامداری چون آبی بد مزه و لقمه‌ای گلوگیر است. واژه «آجن» یعنی گندیده و آبی که رنگ و مزه آن تغییر کرده باشد (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۵: ۲۰۶۷؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۹۷). حضرت در این قسمت این گونه زمامداری را آب گندیده و لقمه گلو گیر دانسته است و آب و غذا را برای متاع دنیا

از آن جهت که در آن شائبه تکدر و... است و باعث تنفر انسان می‌شود استعاره آورده است (ابن میثم، ۱۳۶۶ ش، ج ۱: ۱۰۰؛ دخیل، ج ۱: ۲۷).

– مجتنی الثمره لغيرايناعها كالزراع بغير ارضه

امام (ع) در این تشبیه، درخواست خلافت در شرایط نامساعد را به چیدن میوه در فصل نامناسب تشبیه می‌کند. این کنایه زیبا از آن جهت است که همانگونه که چیدن میوه پیش از موعد، لذت و حاصلی ندارد، طلب خلافت بدون آمادگی شرایط و نبود یاران وفادار نیز نتیجه‌ای جز ناکامی در پی ندارد. سپس این وضعیت را به کشاورزی تشبیه می‌کنند که در مزرعه دیگران به کشت می‌پردازد (همان).

بنابراین امام (ع) بعد از جریان سقیفه با بیان نکاتی چند در قالب تشبیه و استعاره هم از وقوع فتنه جلوگیری کرد و هم چراغی برای دور بودن از فتنه در مواقع دیگر بر سر راه مخاطبان قرار داد.

تابلوی ۶: عوامل رهایی و نجات انسان‌ها از حوادث ناخوشایند آینده (خبر از هجوم عبدالملک بر کوفه)

كَأَنِّي بِهِ قَدْ نَعَقَ بِالشَّامِ وَ فَحَصَ بِرَأْيَاتِهِ فِي ضَوَاحِي كُوفَانَ، فَعَطَفَ عَلَيْهَا عَطْفَ الضُّرُوسِ وَ فَرَشَ الْأَرْضَ بِالرُّؤُوسِ، قَدْ فَغَرَتْ فَاغْرَتُهُ وَ ثَقُلَتْ فِي الْأَرْضِ وَ طَأَتْهُ، بَعِيدَ الْجَوْلَةِ عَظِيمِ الصَّوْلَةِ، ... فَلَا تَزَالُونَ كَذَلِكَ حَتَّى تَتُوبَ إِلَى الْعَرَبِ عَوَازِبُ أَحْلَامِهَا. فَالْزَمُوا السُّنَنَ الْقَائِمَةَ وَ الْآثَارَ الْبَيِّنَةَ وَ الْعَهْدَ الْقَرِيبَ الَّذِي عَلَيْهِ بَاقِي النُّبُوَّةِ (خطبه ۱۳۸: ۱۸۲).

امام (ع) در این بخش از خطبه از پیدایش مردی به این صفات مذکور خبر می‌دهد. برخی از شارحان گفته‌اند که این مرد عبدالملک بن مروان است که گروه بسیاری از اعراب را به قتل رسانده است (ر.ک: ابن میثم، ۱۴۰۴ ق، ج ۳: ۳۱۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ش، ج ۵: ۵۳۶). در این خطبه نکات و لطایفی وجود دارد که که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) کانی به قد نعق بالشام

امام (ع) بر این فرد و دعوت او در شام و فرمان‌هایی که صادر می‌کند واژه «نعیق» را بطور مجاز بکار می‌برد (زمخشری، ۱۳۸۷ ش: ۹۸؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۵: ۲۳۹). نیز واژه «فحص» را برای

آفرینش‌های هنری امام علی(ع) در ... (عزیز علی زاده سالطه و پریش علیزاده) ۸۵

جنايات او در كوفه و نیز برای نارسایی او در درك احوال مردم استعاره آورده است (ر.ك: جوهری، ۱۴۰۴ق، ج: ۳: ۱۰۴۸؛ ابن منظور، ۱۳۷۵ش، ج: ۷: ۱۷؛ ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج: ۳، ۳۱۸).

ب) فعطف علیها عطف الضروس

امام(ع) حمله او را به حمله شتر کج خلق و گزنده تشبیه کرده است که در حال دوشیدن، صاحبش را از شدت غضب و اذیت گاز می گیرد. وجه تشبیه، خشم، کینه و آزار در نتیجه یورش اوست (همان؛ نیز ر.ك: هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج: ۸: ۳۵۹).

ج) و فرش الأرض بالروءس

این سخن اشاره به کشتار فراوان او در کوفه است. برخی در این باره گفته اند که ایشان با بیان عبارت فوق، جمله حقیقی را در نظر گرفته است نه استعاری و مجازی؛ یعنی امام(ع) می فرماید که او زمین را با سرها می پوشاند همانطور که مکان را با فرش می پوشانند (ابن ابی الحدید، بی تا، ج: ۹: ۴۷؛ دنبلی خویی، بی تا، ج: ۱: ۱۷۷). برخی نیز معتقدند که جمله «فرش الارض» استعاره تبعی است؛ یعنی زمین را با سرها می پوشاند همانطور که با فرش آن را می پوشانند. یا استعاره کنایی است، آنجا که سرها را به فرش تشبیه کرده است که هر کدام از این ها روی زمین را می پوشانند، که در این صورت ذکر فرش تخیل است. و اظهر این است که آن را کنایه از کثرت کشتار می داند (ر.ك: هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج: ۸: ۳۵۹).

د) قد فغرت فاغرته

واژه «فغر» یعنی دهان باز کرد (زمخشری، ۱۳۸۷ش، ۱۷۸؛ ابن منظور، ۱۳۷۵ش، ج: ۵: ۵۹). ایشان با بکار بردن این واژه، برخی از صفات درندگان را برای او استعاره فرموده است. استعاره هم استعاره مکنیه است. آنجا که او را تشبیه می کند به حیوان درنده که حمله می کند و موقع حمله و خشم و غضب، دهانش باز می ماند. و فعل «فغر» متعدی است. آن وقت واژه «فاغرته» تأکید همان فعل می شود (ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج: ۳، ۳۲۰؛ هاشمی خوئی، ۱۴۰۰ق، ج: ۸: ۳۶۰؛ ابن ابی الحدید، بی تا، ج: ۹: ۴۷؛ بیهقی نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ج: ۱: ۶۱۸؛ عبده، بی تا، ج: ۲: ۳۱).

و) و ثقلت فی الارض و طاته

جمله، کنایه از برتری غلبه و قدرت وی در زمین است. در این مورد برخی معتقدند این غلبه در سایه ظلم و ستم است (ر.ک: ابن ابی‌الحدید بی‌تا، ج ۹: ۴۷). برخی هم معتقدند که این غلبه بر اساس قدرت است نه در سایه ظلم؛ چون ملازمه‌ای بین سنگینی قدم و ظلم و ستم عرفاً وجود ندارد (هاشمی‌خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۸: ۳۶۰؛ ابن‌میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۳۲۰).

ر) بعید الجوله

عبارت فوق استعاره است؛ یعنی جولان مردان او خیلی طولانی و قلمرو فرمانروایی وی وسیع خواهد بود (ابن‌میثم، همان؛ ذنبلی‌خویی، بی‌تا، ج ۱: ۱۷۷؛ عبده، بی‌تا، ج ۲: ۳۱).

ز) ... لیشردنکم ... حتی لا یبقی منکم الا قلیل، کالکحل فی العین

در عبارت فوق، کسانی را که از شر او نجات یافته باشند به غبار سرمه تشبیه کرده است؛ یعنی تعداد کمی نجات می‌یابند (هاشمی‌خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۸: ۱۶۳؛ ابن‌میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۳۲۱).

امام (ع) اوصاف عبدالملک بن مروان و حمله خونبار او را به شهر کوفه با تشبیه وی به حیوان درنده به گونه‌ای ملموس به تصویر کشیده است. آن حضرت او را چون حیوان وحشی می‌داند که به هنگام حمله با دهان باز به گله حمله‌ور می‌شود و تعداد فراوانی از آنها را به کام مرگ می‌کشد. نیز در هنگام تسلط بر مردم او را به شتر خشمگینی تشبیه کرده است که در حال دوشیدن، صاحبش را گاز می‌گیرد و آزار و اذیت او نسبت به مردم زیر سلطه، چنین رفتاری است. و شدت خونریزی و کشتار او نسبت به مردم را با تشبیه سرها به زمین ریخته شده به فرش به تصویر می‌کشد. در نهایت پیش‌بینی می‌کند که با هماهنگی مردم و تبعیت از سنت پیامبر (ص) بنی‌امیه نابود خواهد شد.

تابلوی ۷: نشانه‌های فتنه جویان و راههای مقابله با آن

ثُمَّ إِنَّكُمْ مَعَشَرَ الْعَرَبِ أَغْرَاضُ بَلَايَا ... فَأَنْتَقُوا سَكَرَاتِ النُّعْمَةِ وَ احْذَرُوا ... اغْوِجَاجِ الْفِتْنَةِ عِنْدَ طُلُوعِ جَنِينِهَا وَ ظُهُورِ كَمِينِهَا وَ انْتِصَابِ قُطْبِهَا وَ مَدَارِ رَحَاهَا، تَبْدَأُ فِي مَدَارِجِ خَفِيَّةٍ ...، شِبَابُهَا كَشِبَابِ الْغُلَامِ وَ آثَارُهَا كَأَثَارِ السَّلَامِ يَتَوَارَثُهَا الظَّلَمَةُ بِالْعَهْدِ ... يَتَنَافَسُونَ فِي ذُنُوبِ دَنِيَّةٍ وَ يَتَكَالَبُونَ عَلَى جِيْفَةٍ مُرِيحَةٍ (خطبه ۱۵۱: ۱۹۶).

امام(ع) در این بخش از خطبه، مردم را از فتنه‌های آینده آگاه می‌سازد و راههای مصونیت از آسیب‌های آنرا می‌آموزد. ایشان دو عامل اساسی در ایجاد فتنه‌ها را چنین برمی‌شمرند ۱- مستی نعمتها ۲- مجازات اعمال نادرست. و با تأکید بر حفظ هوشیاری، نشانه‌های آغازین فتنه‌ها را اینگونه ترسیم می‌کنند: فتنه‌ها ابتدا به صورت نامحسوس و خزنده شکل می‌گیرند، اما به تدریج به صورت امواج سهمگین آشوب ظاهر می‌شوند.

در زیر به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

- «انکم...اغراض بلایا...». امام(ع) هشدار می‌دهد که رویدادهای تلخ و سهمگینی در شرف وقوع است. ایشان مردم را به تیرهایی تشبیه می‌کنند که به سوی نشانه‌ای مشخص روانه می‌شوند؛ نشانه‌ای که همان بلایا و فتنه‌های آینده است. واژه «غرض» استعاره برای مردم است (ابن میثم، ۱۳۶۶ش، ج ۳: ۴۰۸).

- «فاتقوا سكرات النعمه»: واژه «سكرات» را که به معنی سرمستی است برای غفلت حاصل از سرگرم شدن به نعمتها و لذتهای دنیا و غیره استعاره آورده است (ابن میثم، ۱۳۶۶ش، ج ۱: ۳۱۷؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۸: ۱۶۳؛ ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۴۰۸).

- «و ثبتوا فی قتام العشوه»

«قتام» به معنای غبار است؛ همانگونه که غبار متراکم، دید را محو می‌کند، شبهات و ابهامات نیز بصیرت انسان را تار می‌سازد. امام(ع) با این استعاره به زیبایی نشان می‌دهند که فرد گرفتار در امور مشتبه، همچون انسانی است که در میان غبار شدید، توان تشخیص مسیر را از دست داده است. و لفظ «عشوه» را برای فتنه استعاره آورده است (ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۴۰۹؛ همان، ۱۳۶۶ش، ج ۱: ۳۱۷).

- «عند طلوع جنبینها و ظهور کمینها»

برخی بر این باورند که واژه‌های «جنبین» و «ظهور کمین‌ها» می‌تواند به دو صورت تفسیر شود: نخست به معنای واقعی و عینی؛ یعنی زمانی که نشانه‌های فتنه پدیدار شود و حقایق پنهان آشکار گردد. دوم آنکه ممکن است این عبارت دارای معنای مجازی و استعاری باشد (ر.ک: ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۴۱۰). از سوی دیگر، برخی دیگر از صاحب‌نظران این تعبیر را کنایی و استعاری می‌دانند (ابن میثم، ۱۳۶۶ش، ج ۱: ۳۱۷؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۹: ۱۶۴؛ ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۹: ۱۳۹).

- «وانتصاب قطبها و مدار رحاها»

منظور از «قطب» در اینجا، همان فتنه‌ای است که ستم‌پیشگان و سرکشان پیا کرده‌اند. این واژه به صورت استعاره بکار رفته است. همچنین «انتصاب» به معنی قیام و تلاش این گروه برای برانگیختن و دامن زدن به آن فتنه است. نیز واژه «مدار» را برای کسانی استعاره آورده است که آسیاب این فتنه بر گرد آنها می‌چرخد (ابن میثم، همان، ج ۳: ۴۱۰؛ همو، ۱۳۶۶ش، ج ۱: ۳۱۷). در مجموع جمله فوق کنایه از استحکام و انتظام امر فتنه است (مجلسی، ۱۴۰۸م، ج ۲: ۶۸؛ ابن میثم، ۱۳۶۶ش، ج ۱: ۳۱۷؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۹: ۱۶۴؛ ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۹: ۱۳۹).

- «شبابها ک شباب الغلام»

در این عبارت، واژه «شباب» به صورت استعاری برای توصیف قیام و گسترش سریع این فتنه در میان مردم به کار رفته است. وجه تشبیه و تناسب این استعاره، سرعت ظهور و رشد این فتنه است (ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۴۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ش، ج ۶: ۲۴).

- «یتکالبون علی جیفه مریحه»

«تکالب» که به معنای هجوم آوردن و بهم پریدن است، به صورت استعاری برای توصیف نزاع و کشمکش دنیاطلبان بر سر مال و منال دنیوی بکار رفته است. همچنین واژه «جیفه» به عنوان استعاره برای دنیای فانی بکار گرفته شده، با افزودن صفت «مریحه» بر زشتی این دنیای فریبنده تأکید شده است (ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۴۱۱؛ مؤید، ۱۴۲۴ق، ج ۳: ۱۲۰۶).

امام (ع) در اینجا به مردم هشدار می‌دهد که هدف تیر فتنه‌ها قرار نگیرند. همچنین از سر برآوردن فتنه و رشد سریع و چشمگیر آن در سرتاسر سرزمین اسلامی و نیز رقابت آنها بر دنیا با عباراتی نظیر «طلوع جنینها»، «انتصاب قطبها»، «جیفه مریحه» یاد می‌کند و بیان می‌دارد که فتنه همچون جنینی است که زود رشد می‌کند و عالمگیر می‌شود و فتنه‌گران بر سر مردار دنیا مانند سگهای گرسنه باهم به کشمکش می‌پردازند، لذا مسلمانان باید از آنها دوری گزینند. امام (ع) این موارد را با تشبیهات و استعارات بدیع برای مخاطبین قابل فهم‌تر و ملموس‌تر نشان داده است.

تابلوی ۸: نشانه‌های فتنه‌جویان (خبر از آینده خونین عرب)

ثُمَّ يَأْتِي بَعْدَ ذَلِكَ طَالِعُ الْفِتْنَةِ الرَّجُوفِ وَالْقَاصِمَةُ الزُّحُوفِ ... يَتَكَادَمُونَ فِيهَا تَكَادَمَ الْحُمْرِ فِي الْعَانَةِ قَدْ اضْطَرَبَ مَعْقُودُ الْحَبْلِ ... تَغِيضُ فِيهَا الْحِكْمَةُ ... وَ تَذُقُ أَهْلَ الْبَدْوِ بِمَسْحَلِهَا وَ تَرُضُّهُمْ بِكُلْكُلِهَا. يَضِيعُ فِي غُبَارِهَا الْوُحْدَانُ وَ يَهْلِكُ فِي طَرِيقِهَا الرُّكْبَانُ، تَرِدُ بِمَرِّ الْقَضَاءِ وَ تَحْلُبُ عَيْطَ الدَّمَاءِ ... مِرْعَادُ مِبْرَاقٍ (خطبه ۱۵۱: ۱۹۷-۱۹۶).

امام(ع) در این خطبه به فتنه‌ای عظیم و هولناک اشاره می‌فرماید که امت اسلامی در آینده با آن مواجه خواهد شد. در میان مفسران و شارحان نهج‌البلاغه، دیدگاه غالب این است که این پیشگویی ناظر به حمله مغول است (ابن‌میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۴۱۲). برخی هم معتقدند که این فتنه اشاره به فتنه بنی‌عباس است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ش، ج ۶: ۳۳). برخی از مفسران نیز این فراز از خطبه را ناظر به فتنه دجال دانسته‌اند (همان).

- واژه «رَجُوف» به وقایع هولناک و اضطراب‌آوری اشاره دارد که امت اسلام در این رویداد با آن مواجه خواهد شد. اصطلاح «طالع فتنه» اشاره به نخستین نشانه‌ها و مقدمات این فتنه دارد، و صفت «قاصمه» کنایه از تأثیر ویرانگر این فتنه است که شمار بسیاری از مردم را نابود خواهد کرد. همچنین استعاره «زحوف» به شجاعی اشاره دارد که پیوسته در میدان نبرد به سوی دشمن یورش می‌برد (ابن‌منظور، ۱۳۷۵ش، ج ۹، ص ۱۳۱). «القاصمه الزحوف» هم کنایه از هلاک مردم در آن فتنه است (ابن‌میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۴۱۲؛ ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۹: ۱۴۲؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۹: ۱۶۵؛ دنبلی خویی، بی‌تا، ج ۱: ۱۸۴).

- واژه «تکادم» به صورت استعاری برای توصیح رفتار سران این فتنه که بر سر قدرت با یکدیگر درگیر می‌شوند بکار رفته است (ابن‌منظور، ۱۳۷۵ش، ج ۱۲: ۵۰۹). این تشبیه از آن رو است که آنان را به خران گله‌ای تشبیه کرده که پیوسته یکدیگر را می‌گزند (ابن‌میثم، همان، ج ۳: ۴۱۳؛ هاشمی خویی، همان، ج ۹: ۱۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۸م، ج ۲: ۶۸).

- عبارت «مَعْقُودُ الْحَبْلِ» استعاره برای نظام مستحکم اسلامی در دوران گذشته است. در این تشبیه، واژه «حبل» نمادی از دین و «اضطراب» آن کنایه از تزلزل پایه‌های دین هنگام ظهور این فتنه است (ابن‌میثم، همان، ج ۳: ۴۱۳).

- واژه «غیض» نیز استعاره برای کاهش و نابودی حکمت و دانش، و محرومیت از برکات آن است (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۴: ۲۱۹؛ جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۰۹۶).

- و تدق اهل البدو بمسحلهما

واژه «مسحل» استعاره برای آزار و اذیتی است که از این راه به عرب و بیابان‌نشینان وارد می‌شود. وجه مشابهت در آن است که همانطور که حلقه دهنه آزار دهنده است رنج و آزار این فتنه هم سخت و جانکاه خواهد بود (همان، ۴۱۴).

- و ترضهم بکلکلهما

امام (ع) واژه «کلکل» را به صورت استعاره برای توصیف فشارها و آزارهای ناشی از این فتنه بر صحرانشینان بکار برده‌اند. این تشبیه بدین جهت است که این فتنه ویرانگر، همچون شتری عظیم‌الجثه عمل می‌کند که بر هر چه می‌نشیند، آن را در هم می‌کوبد و خرد می‌سازد (ابن‌میثم، همان، ج ۳: ۴۱۴؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۹، ص ۱۶۶؛ دنبلی خویی، بی‌تا، ج ۱: ۱۸۴).

- یضیع فی غبارها الوحدان و یهلک فی طریقهها الركبان

واژه «غبار» برای حرکت جزئی فتنه‌گران استعاره شده است؛ یعنی اگر عده اندکی هم در صدد دفع آن برآیند در غبار این فتنه نابود خواهند شد. «رکبان» هم کنایه از جماعتی است که دارای نیرو و قدرت هستند. این تعبیر کنایه‌ای است از فراگیری چنان حادثه‌ای هولناکی که تمامی طبقات و اصناف جامعه را بدون استثنا در می‌نوردد و همگان را به کام نیستی می‌کشد (ر.ک: ابن‌میثم، همان، ج ۳: ۴۱۵؛ هاشمی خویی، همان، ج ۹: ۱۶۷؛ دنبلی خویی، همان، ج ۱: ۱۸۴؛ مکارم شیرازی، همان، ج ۶: ۳۳).

- «تحلب عیط الدماء»

امام (ع) با این تشبیه هنرمندانه می‌فرماید که این فتنه همچون دستگاه خونریز بی‌امانی عمل می‌کند که پیوسته در حال گرفتن جانهای بی‌گناه است. آن حضرت با این بیان، فاجعه را در قالب یک استعاره به تصویر می‌کشد (ابن‌میثم، همان؛ هاشمی خویی، همان؛ دنبلی خویی، همان؛ مجلسی، ۱۴۰۸م، ج ۲: ۶۸؛ ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۹: ۱۴۲).

- «مرعاد مبراق»

این دو صفت را استعاره فرموده است و این به ملاحظه شباهتی است که این حادثه به امر پر رعد و برق دارد (ابن‌میثم، همان، ج ۳: ۴۱۵).

امام (ع) برای بیان فتنه مذکور اوصافی را در قالب استعاره و کنایه آورده و برای تقریب شدت آن حوادث از عباراتی نظیر «رجوف»، «قاصمه»، «تکادم» و غیره استفاده کرده است. این

عبارات در فهم عموم مردم تصویر روشنی از سختی آن حوادث را به دست می دهد. همچنین از آثار منفی هجوم فتنه بر مسلمانان سست شدن پایه‌های دین است که از آن با عبارت «قد اضطرب معقود الحبل» و نیز برای از میان رفتن حکمت از عبارت «غیض» استعاره آورده، بیان کرده است که همانطور که آب موقع فرو رفتن در زمین از بین می رود، حکمت نیز با هجوم فتنه فروکش می کند. در نهایت هجوم این فتنه را بر سر مردم مسلمان مانند نشستن شتر بر روی چیزی می داند که همه چیز را خرد و نابود می کند، و با اصطلاحات «مرعاد مبراق» و یا «تحلب عیبط الدماء» با تشبیه آن حادثه به رعد و برق و نیز دوشیدن خونهاهای تازه، از ریختن خون مسلمانان استعاره آورده است.

تابلوی ۹: خبر از فتنه‌ها و تحولات در بصره و یا در عراق به طور کلی

فَتَنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، لَا تَقُومُ لَهَا قَائِمَةٌ وَلَا تُرَدُّ لَهَا رَايَةٌ، تَأْتِيكُمْ مَرْمُومَةً مَرْحُولَةً، يَخْفِزُهَا قَائِدُهَا وَيَجْهَدُهَا رَاكِبُهَا، أَهْلُهَا قَوْمٌ شَدِيدٌ كَلْبُهُمْ قَلِيلٌ سَبَبُهُمْ، يُجَاهِدُهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَوْمٌ أَذَلُّ عِنْدَ الْمُتَكَبِّرِينَ، ... وَ سَيُتْلَى أَهْلُكَ بِالْمَوْتِ الْأَحْمَرِ وَالْجُوعِ الْأَغْبَرِ (خطبه ۱۰۲: ۱۳۲).

امام(ع) در این فراز از خطبه، به پیشگویی فتنه‌های آینده پرداخته‌اند که پس از ایشان رخ خواهد نمود. به باور برخی از مفسران، این پیشگویی ناظر به قیام «صاحب زنج» است. در مقابل، دیدگاه دیگری وجود دارد که این پیشگویی را اشاره به یورش ویرانگر مغولان می داند. برخی دیگر نیز این روایت را ناظر به رویدادهای آخرالزمان تفسیر کرده‌اند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ش، ج ۴: ۴۰۲؛ ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۲۴).

در این بخش از خطبه در بیان اخبار فتنه مذکور، تصویر سازی‌هایی شده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

- «فتن قطع الیل المظلم»

در اینجا فتنه‌ها به پاره‌های تاریک شب تشبیه شده است، به اعتبار اینکه در آن کسی به حق هدایت نمی یابد (دنبلی خویی، بی تا، ج ۱: ۱۵۴؛ موسوی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۷۵).

- «لا تقوم لها قائمه»

عبارت فوق کنایه از عدم امکان مقابله با آن فتنه است (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۷: ۱۷۷؛ دنبلی خویی، بی تا، ج ۱: ۱۵۴).

امام علی(ع) با به کارگیری واژگانی مانند «زمام»، «رحل»، «حفز»، «قائد»، «راکب» و «جهد» فتنه را به شتر سرکش تشبیه می‌کند (ر.ک: ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۲۴).

- «شدید کلبهم». توضیح این مطلب در تابلوی ۲ گذشت.

- «سیتلی اهلک بالموت الاحمر و الجوع الاغبر»

عبارت فوق کنایه از وباست که بخاطر شدت آن آن را به سرخی توصیف کرده است. وصف «جوع» به «اغبر» هم به این جهت است که گرسنه فضا را غبارآلود می‌بیند. و یا این که اولی کنایه از کشته شدن آنها با شمشیر است (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۷: ۱۷۸؛ دنبلی خویی، بی تا، ج ۱: ۱۵۴). برخی هم معتقدند که عبارت مذکور کنایه از شدت فتنه یعنی مرگ سخت است (موسوی، ۱۳۷۵ش، ج ۲: ۱۷۵).

نکته آخر اینکه امام(ع) فتنه را به شتری کاملاً آماده تشبیه می‌فرماید که هم افسار بر دهان دارد و هم زین بر پشتش نهاده شده، و بطور کامل مطیع سوارکار خود است، اما عمری کوتاه خواهد داشت و خداوند متعال آن را به دست گروهی از مجاهدان پاک‌باخته و اولیای الهی درهم خواهد شکست.

تابلوی ۱۰: خبر از فتنه‌های آینده (اشاره به زمان ظهور یا فتنه بنی‌امیه)

«وَ ذَٰلِكَ إِذَا قَلَصَتْ حَرْبُكُمْ وَ شَمَرَتْ عَنْ سَاقٍ وَ [كَانَتْ] ضَاقَتِ الدُّنْيَا عَلَيْكُمْ ضِيقًا، تَسْتَطِيلُونَ مَعَهُ أَيَّامَ الْبَلَاءِ عَلَيْكُمْ، ... إِنَّ الْفِتْنَ إِذَا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ تَبَّهَتْ، ... يَحْمَنَ حَوْمَ الرِّيحِ يُصِبْنَ بَلَدًا وَ يُخْطِئْنَ بَلَدًا» (خطبه ۹۳: ۱۲۲).

در این فراز از خطبه با اشاره به طوفان‌های سهمگین آینده، مؤمنان را به آمادگی روحی و عملی فرا می‌خوانند، در حالی که نوید پیروزی نهایی نیکوکاران را نیز می‌دهند.

- «اذا قلصت حربکم و شمرت عن ساق»

«تقلص» و «تشمیر» استعاره از آمادگی کامل برای نبرد را ترسیم می‌کنند؛ تشبیه جنگ به فردی کوشا و مصمم که با جمع کردن لباسش تمام موانع حرکت را از سر راه بر می‌دارد (ر.ک: ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۸۲۰؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۷: ۷۶؛ ابن ابی‌الحدید، بی تا، ج ۷: ۵۳).

- «یحمن حوم الرياح»

آفرینش‌های هنری امام علی(ع) در ... (عزیز علی زاده سالطه و پریش علیزاده) ۹۳

امام(ع) واژه «حوم» را به عنوان استعاره‌ای برای توصیف فتنه بکار برده‌اند. این تشبیه از دو جهت قابل تأمل است: ۱- تشبیه فتنه به گردباد؛ همانگونه که گردباد به صورت انتخابی برخی مناطق را در می‌نوردد و از کنار برخی می‌گذرد، فتنه نیز به اراده الهی در برخی سرزمین‌ها ظاهر می‌شود و برخی دیگر را در امان می‌گذارد. ۲- تشبیه دوران فتنه به پرنده در حال پرواز؛ فتنه مانند پرنده‌ای که با حرکات دورانی در آسمان می‌چرخد دوره‌ها و مراحل مختلفی را طی می‌کند (ر.ک: ابن میثم: همان).

امام(ع) در اینجا به برخی از ویژگی‌های فتنه آینده اشاره کرده و از سختی و جدیت گردانندگان آن با عبارات «قَلَصَتْ وَ شَمَرَتْ» استعاره آورده است و برای اینکه نشان دهد این فتنه دامن همگان را نمی‌گیرد آن را به گردباد تشبیه می‌کند و با این استعارات و تشبیهات، فتنه را در ذهن مخاطب به سادگی هر چه بیشتر ترسیم می‌کند.

تابلوی ۱۱: خبر از فتنه‌های بنی‌امیه

أَلَا وَ إِنَّ أَوْفَ الْفِتَنِ عِنْدِي عَلَيْكُمْ فِتْنَةُ بَنِي أُمَيَّةَ، فَإِنَّهَا فِتْنَةٌ عَمِيَاءُ مُظْلِمَةٌ، عَمَّتْ خُطَّتْهَا وَ خَصَّتْ بَلِيَّتْهَا... وَ إِيْمُ اللَّهِ لَتَجِدَنَّ بَنِي أُمَيَّةَ لَكُمْ أَرْبَابَ سُوءِ بَغْدِي كَالنَّابِ الضَّرُوسِ تَعْدُمُ فِيهَا وَ تَخْبُطُ بِيَدِهَا وَ تَرْبُزُ بِرَجْلَيْهَا وَ تَمْنَعُ دَرَّهَا، ... وَ لَا يَزَالُ بَلَاؤُهُمْ عَنْكُمْ حَتَّى لَا يَكُونَ أَنْتَصَارُ أَحَدِكُمْ مِنْهُمْ إِلَّا ... كَأَنْتَصَارِ الْعَبْدِ مِنْ رَبِّهِ وَ الصَّاحِبِ مِنْ مُسْتَضْحِجِهِ؛ تَرِدُ عَلَيْكُمْ فِتْنَتُهُمْ [شَوْهًا] شَوْهَاءَ مَخْشِيَةٍ وَ قِطْعًا أَهْلِيَّةً، لَيْسَ فِيهَا مَنَارٌ هُدًى وَ لَا عِلْمٌ يُرَى. ثُمَّ يُفَرِّجُهَا اللَّهُ عَنْكُمْ كَتَفْرِيجِ الْأَدِيمِ بَمَنْ يَسُومُهُمْ خَسْفًا وَ يَسُوقُهُمْ غَنًّا وَ يَسْقِيهِمْ بِكَأْسٍ مُصَبَّرَةٍ لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ وَ لَا يُخْلِسُهُمْ إِلَّا الْخَوْفُ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَوَدُّ قُرَيْشٌ ... لَوْ يَرَوْنِي مَقَامًا وَاحِدًا وَ لَوْ قَدَرَ جَزْرُ جَزُورٍ... (خطبه ۹۳: ۱۲۲).

امام(ع) هولناک‌ترین فتنه‌ها را فتنه بنی‌امیه معرفی فرموده، با ذکر ویژگی‌های شوم آن، هشدار جدی به امت اسلامی می‌دهند: ۱- فتنه‌ای کور و ظلمانی که هیچ ارزش انسانی و الهی را به رسمیت نمی‌شناسد. ۲- حکومتی خودکامه و شترصفت که به صاحب خود آسیب رسانده، با وجود وابستگی به مردم، به آنان خیانت می‌کند و از انجام کوچکترین وظایف حکومتی خودداری می‌نماید. ۳- هرگونه اعتراض و انتقاد را سرکوب می‌کند. ۴- هیچ مأمن و پناهگاهی از ستم آنان در امان نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ش، ج ۴: ۲۳۴-۲۳۲؛ ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۸۲۱).

- کالناب الضروس. «ناب» شتر پیر را گویند و «ضروس» شتر کج خلق که دوشنده را گاز می‌گیرد (ابن منظور، ۱۳۷۵ش، ج ۶: ۱۱۸). در اینجا بنی‌امیه را به همچون حیوانی تشبیه کرده است (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۷: ۵۷).

- «تعدم بفیها و تخطب بیدها و تزبن برجلها و تمنع درها»

موارد فوق اوصاف شتر مذکور هستند و امام(ع) بنی‌امیه را دارای همچون صفاتی بیان می‌کند؛ یعنی همانطور که شتر بدخلق صاحبش را گاز می‌گیرد و او را از خودش می‌راند و از دوشیدن شیر مانع می‌شود، به همین وجه، بنی‌امیه با توجه به افعال زشت و ناپسندی که دارند: از قبیل کشتن مردم، آزار و اذیت کردن آنان و مانع شدن آنها از آنچه که از بیت المال استحقاق دارند، به آن شباهت دارند (ر.ک: هاشمی‌خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۷: ۸۸).

- «شوهاء مخشیه و قطعاً جاهلیه»

«شوه» که جمع آن «شوها» است به معنی شخص کریه‌المنظر و بدصورت است (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۶: ۳۵۱؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۶۸) و «قطعاً جاهلیه» را به تکه‌های ابر به جهت تراکمش برای مردم تشبیه کرده است. و «جاهلیه»؛ چون کار آنها مانند کارهای دوران جاهلیت است که دین نداشتند. لذا امام(ع) با بکارگیری دو استعاره، ماهیت زشت فتنه بنی‌امیه را آشکار می‌سازند: ۱- استعاره «شوهاء» برای بیان کردار ناپسند بنی‌امیه ۲- استعاره «قطع». امام(ع) فتنه‌انگیزی‌های مکرر بنی‌امیه را به یورشهای متوالی اسب‌سواران تشبیه می‌فرمایند (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۷: ۵۷؛ ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۸۲۳).

- «کتفربج الادیم»

«ادیم» یعنی پوست، و وجه تشبیه آن است که پوست آنچه را که در زیر آن است آشکار می‌کند و لذا به آنها وعده داده شده است که خداوند آن پرده را مانند برداشتن پوست از گوشت جدا می‌کند (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۷: ۵۷).

- امام علی(ع) در این بیان «کاس» را استعاره از جام بلا، «تحلیس» را برای پنهان‌کاری و فریب‌کاری دائمی حاکمان، «عطیه» را استعاره از باج‌خواهی و «تصبیر» را برای مصیبت‌های برنامه‌ریزی شده استعاره آورده‌اند. همه این استعارات در ترس مستمر و

آفرینش‌های هنری امام علی(ع) در ... (عزیز علی زاده سالطه و پرورش علیزاده) ۹۵

همه‌گیر مشترکند، همانگونه که پالان شتر پیوسته بر پشت آن بسته می‌ماند (ر.ک):
ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۸۲۴).

- «تود قریش...»

عبارت فوق اشاره به نهایت این دگرگونیها دارد. و در عبارت «قدر جزر جزورا»،
امام(ع) به کنایه، دوران کوتاه خلافت خویش پس از رنجهای فراوان را به «زمان نحر
شتر» تشبیه می‌فرماید (همان).

امام(ع) فتنه بنی‌امیه را از همه فتنه‌ها خطرناکتر می‌دانند که هیچ کس و هیچ چیز را به
رسمیت نمی‌شناسد. همچنین فتنه برخاسته از ناحیه بنی‌امیه را به شتر پیر، بدخلق، زشت‌منظر
و ترسناک تشبیه می‌کند و اوصافی را که یک شتر بد خلق دارد برای آنان استعاره می‌آورد و در
پایان متذکر می‌شود که خداوند سلطه آنها را از مردم به مانند جدا کردن پوست از گوشت
دور می‌کند.

تابلوی ۱۲: خبر از حوادث خونین آینده (آتش فتنه‌ها)

... لَكَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى ضَلِيلٍ قَدْ نَعَى بِالشَّامِ ... غَضَّتِ الْفِتْنَةُ أُنْبَاءَهَا بِأَنْبَاءِهَا وَمَاجَتْ الْحَرْبُ
بَأُمُوجِهَا وَبَدَأَ مِنَ الْأَيَّامِ كُلُّوْحُهَا وَمِنَ اللَّيَالِي كُدُوحُهَا. فَإِذَا أُيْنِعَ زَرْعُهَا وَقَامَ عَلَى يَنْعِهِ وَ
هَدَرَتْ شَقَاشِقُهَا وَبَرَقَتْ بَوَارِقُهَا غَقِدَتْ رَايَاتُ الْفِتَنِ الْمُغْضِلَةِ وَأَقْبَلْنَ كَاللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَالْبَحْرِ
الْمُتَطِيمِ هَذَا وَكَمْ يَخْرِقُ الْكُوفَةَ مِنْ قَاصِفٍ وَيَمُرُّ عَلَيْهَا مِنْ عَاصِفٍ وَعَنْ قَلِيلٍ تَلْتَفُ
الْقُرُونُ بِالْقُرُونِ وَيُحْصَدُ الْقَائِمُ وَيُحْطَمُ الْمَحْصُودُ (خطبه ۱۰۱: ۱۳۲).

این بیان از جمله آینده‌گویی‌های آن حضرت است. گفته شده است که «ضلّیل» یعنی دارای
گمراهی بیشتر (بستانی، ۱۳۷۶ش: ۵۷۱) کنایه از عبدالملک بن مروان است. و گفته شده است
که منظور معاویه است. و برخی هم آنرا اشاره به سفیانی دجال می‌دانند (ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۳
: ۱۸؛ مغنیه، ۱۹۷۹م، ج ۲: ۹۵؛ مدرّس وحید، بی‌تا، ج ۷: ۴۴).

- « غَضَّتِ الْفِتْنَةُ ابْنَاهَا بِأَنْبَاءِهَا

امام(ع) از واژه «غَضَّ» به صورت استعاری برای توصیف فتنه استفاده کرده است؛ چرا
که هر دو با رنج و دشواری همراه هستند. سپس با آوردن «أَنْبَاء» به جای فتنه و «أَنْبَاء»
به جای مردم، این استعاره را بسط داده و تصویر را کامل کرده است. و جمله کنایه از

شدت امر و سختی آن است (ر.ک: به ابن‌میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۸؛ مؤید، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۸۱۵).

- «ماجت الحرب بامواجهها»

در این تصویرپردازی، واژه «موج» را استعاره از جنگ آورده است. این استعاره به آشفتگی، وحشت و پیامدهای ویرانگر نبرد اشاره دارد؛ همانگونه که امواج دریا، آرامش را درهم می‌شکنند و هراس می‌آفرینند، جنگ نیز با کشتار و بیم و هراس همراه است و نظم زندگی را برهم می‌زند (ر.ک: ابن‌میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۸؛ مدرس وحید، بی‌تا، ج ۷: ۴۴).

- «و بدا من الايام كلوحها و من الليالي كدوحها»

امام (ع) در اینجا از دو واژه «کلوح» و «کدوح» به صورت استعاری برای توصیف روزهای سخت و پرمصیبت استفاده کرده است. «کلوح» به معنای تیرگی و عبوسی است (مدنی، ۱۴۲۶ق، ج ۵: ۳۰؛ جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ۳۹۹) و اشاره به روزهای سیاه و پررنجی دارد که گویی چهره جهان در آنها گرفته شده است، همچون انسانی که خشم و ناخرسندی از چهره‌اش آشکار است. «کدوح» نیز به معنی رنج، سختی و جای گزیدگی است (ابن‌منظور، ۱۳۷۵ش، ج ۲: ۵۷۰) و امام (ع) آن را استعاره از مصائب و بلاهایی می‌داند که در آن دوران بر مردم وارد می‌شود. در این عبارات، نسبت «کلوح» به ایام و «کدوح» به لیلی، اسنادی مجازی و کنایه از آنچه که از ظلم و ستم به مردم می‌رسد و نیز از آنچه که از خرابیها به کشورها وارد می‌شود، است (ابن‌میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۹؛ مدرس وحید، بی‌تا، ج ۷: ۴۴؛ مغنیه، ۱۹۷۹م، ج ۲: ۹۵).

- «فاذا اينع زرعه و قام على ينع»

واژه «زرع» به صورت استعاره برای اقدامات و کارهای او به کار رفته است. همچنین لفظ «ایناع» به عنوان کنایه بر زمانی استفاده شده که سرکشی و طغیان او به اوج خود می‌رسد (ابن‌میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۹).

- «وهدرت شقاشقه و برقت بوارقه»

در عبارت فوق، واژه‌های «شقاشق» و «بروق» به صورت استعاره بر حرکات ترسناک و سخنان هولناک او اطلاق شده‌اند؛ مانند ابری که همراه با رعد و برق باشد (همان).

- «عَقِدَتْ رَايَاتُ الْفِتَنِ الْمُعْضِلَةَ وَ أَقْبَلْنَ كَاللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَ الْبَحْرِ الْمُتَلْتَظِمِ»

آفرینش‌های هنری امام علی(ع) در ... (عزیز علی زاده سالطه و پریش علیزاده) ۹۷

در عبارت فوق پدید آمدن این فتنه‌ها را به روی آوردن شب تار تشبیه کرده، اشاره می‌کند که با پدیدار شدن آنها، آشوبها و بی‌نظمی‌های گسترده‌ای رخ خواهد داد. وجه تشبیه فتنه‌ها به شب تاریک در این است که همانگونه که در تاریکی شب، راهیابی ناممکن می‌شود، در این فتنه‌ها نیز تشخیص حق از باطل دشوار می‌گردد. همچنین، این فتنه‌ها به دریای متلاطم تشبیه شده‌اند؛ چراکه همانند امواج خروشان دریا که بر یکدیگر می‌شکنند و هر موجی موج دیگر را درهم می‌ریزد، در این فتنه‌ها نیز طبقات مختلف مردم به جان یکدیگر می‌افتند و گروهی، گروه دیگر را سرنگون و نابود می‌سازند (ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۹).

- «و کم یخرق الکوفه عن قاصف...»

واژه‌های «قاصف» و «عاصف» که در لغت به بادهای شدید و توفانی اطلاق می‌شوند (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۵: ۱۰۸؛ جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۱۴۱۶)، به صورت استعاره برای توصیف حوادث سهمگینی بکار رفته‌اند که همچون تندبادی ویرانگر بر سر مردم این شهر فرود می‌آید (همان).

- عبارت «تلف القرون بالقرون» به درگیری‌های خونین بین گروه‌های مختلف اشاره دارد. این تعبیر بیانگر آن است که به زودی نسل‌ها و اقوام مختلف درگیر نبردهایی خواهند شد که در آن، اجتماع آنان حول محور جنگ و نزاع شکل می‌گیرد و در این میان، نیرومندان بر ضعیفا چیره خواهند شد (همان؛ و نیز بیهقی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۱۹۸؛ جحاف، ۱۳۸۰ش، ج ۲: ۶۷).

- «یحصد القایم و یحطم المحصود»

در این متن، واژه‌های «حَصَد» و «حَطْم» به صورت استعاری برای توصیف سرنوشت مردم بکار رفته‌اند. «حَصَد» نماد مرگ و کشتار است، همانگونه که کشاورز ساقه‌ها را از ریشه جدا می‌کند. «حَطْم» نشان‌دهنده نابودی کامل و متلاشی شدن پیکرها در خاک است (همان). برخی هم می‌گویند عبارت «یحصد القایم» کنایه از کشته شدن حاکمان بنی امیه در جنگ است (ر.ک: ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۷: ۱۰۱).

۳. نتیجه‌گیری

امام(ع) در نهج‌البلاغه از فتنه و فتنه‌گران در زمان خود و در زمانهای بعد به شکل‌های مختلف سخن گفته و وضع و حال آنها را در قالب عبارات استعاری، کنایه، مجاز و غیره به تصویر کشیده است. ایشان در بیان مسأله فتنه؛ اعم از بیان علل پیدایش، رهنمودها، روشهای مبارزه با فتنه‌های اجتماعی، چگونگی نجات از آثار و پیامدهای فتنه و غیره با آفرینش‌های خاص هنری و تصویر سازی مسئله فتنه، آن را در ذهن مخاطبان به نحوی زیبا ترسیم کرده که گویا مخاطب چهره فتنه و فتنه‌گران را عیناً مشاهده می‌نماید. این چیزی است که بیان امام(ع) را در عین روشنگری زیبا و منحصر به فرد می‌گرداند.

کتاب‌نامه

- نهج البلاغه (۱۴۱۴). نسخه صبحی صالح، قم: دارالهجره.
- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (بی‌تا). شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه‌الله مرعشی نجفی.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵ش). لسان العرب المحيط، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌میثم، میثم بن علی (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر کتاب.
- ابن‌میثم، میثم بن علی (۱۳۶۶ش). اختیار مصباح السالکین، مشهد: آستان قدس.
- بستانی، فواد افرام (۱۳۷۶ش). المنجد الابجدی، ترجمه رضا مهیار، نشر اسلامی.
- بیهقی نیشابوری، محمد بن حسین (۱۳۷۵ش). حدائق الحقائق، قم: بنیاد نهج البلاغه.
- بیهقی، علی بن زید (۱۴۰۹ق). معارج نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- جحاف، یحیی بن ابراهیم (۱۳۸۰ش). ارشاد المومنین الی معرفه نهج البلاغه، قم: دلیل ما.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق). الصحاح، بیروت: دارالعلم.
- حسینی زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
- دخیل، علی محمد علی (۱۴۰۶ق). شرح نهج البلاغه، بیروت: دار المرتضی.
- دنبلی خویی، ابراهیم بن حسین (بی‌تا). الدرہ النجفیہ، بی‌جا.
- زمخشری، ابوالقاسم محمود (۱۳۸۷ش). مقدمة الأدب، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
- سرخسی نیشابوری، علی بن ناصر (۱۴۱۵ق). اعلام نهج البلاغه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). العین، قم: دارالهجره.

آفرینش‌های هنری امام علی(ع) در ... (عزیز علی زاده سالطه و پرورش علیزاده) ۹۹

- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر، قم: دارالهجره.
- عبده، محمد (بی‌تا). شرح نهج البلاغه، قاهره: مطبعه الاستقامه.
- راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۶ق). منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۸ق). شرح نهج البلاغه المقتطف من بحار الانوار، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه چاپ و نشر.
- مدرس، وحید احمد (بی‌تا). شرح نهج البلاغه، بی‌جا.
- مدنی، سید علیخان (۱۴۲۶ق). الطراز الاول، مشهد: آل البيت.
- مغنیه، محمدجواد (۱۹۷۹م). فی ظلال نهج البلاغه، بیروت: دارالعلم.
- مؤید، یحیی بن حمزه (۱۴۲۴ق). دیاج الوضی، صنعاء: مؤسسه امام زید بن علی الثقافیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵ش). پیام امام امیرالمومنین علی(ع)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۳ش). درسهایی از نهج البلاغه، تهران: سرایی.
- موسوی، عباس علی (۱۴۱۸ق). شرح نهج البلاغه، بیروت: دارالرسول الاکرم.
- نواب لاهیجی، محمد باقر بن محمود (بی‌تا). شرح نهج البلاغه، تهران: اخوان کتابچی.
- هاشمی خویی، حبیب الله بن محمد (۱۴۰۰ق). منهاج البراعه، تهران: مکتبه الاسلامیه.